

# کشته شدن ملا اختر منصور و تأثیر آن بر روند صلح و روابط افغانستان با پاکستان

سرمقاله

## کشته شدن رهبر طالبان بر آینده جنگ و صلح

حفیظ الله زکی

نزدیک به یکسال است که مذاکرات چهار جانبه صلح به منظور تهیه نقشه راه و بررسی راهکارهای عملی صلح در افغانستان آغاز شده است و تا هنوز دستاورد ملموسی را در پی نداشته است. هفته قبل پنجمین نشست چهارجانبه با حضور سفرای کشورهای عضو بدون نتیجه مشخص پایان یافت.

در چهارمین نشست چهارجانبه فیصله گردید که تا ماه مارچ، پاکستان باید از رهبران گروه های مخالف مسلح دولت دعوت کند تا نمایندگان با صلاحیت خود را در مذاکرات صلح بفرستند؛ اما این امکان نه تنها در تاریخ میسر نشد که رهبری گروه طالبان شدیداً مذاکره با دولت افغانستان را رد کرد. در ماه اپریل این گروه از آغاز حملات بهاری خود خبر دادند. و بر ولایت کندز و دند غوری و شهباب الدین بفلان حمله کردند و حمله خوینین انتحاری بر ریاست ده امنیت ملی را سازمان دادند.

پس از مرگ ملاعمر و تعیین ملا اختر منصور به حیث رهبر جدید این گروه، اگرچه شکاف داخلی در میان گروه طالبان اوج گرفت و منجر به درگیری های خوینین بین گروهی شد؛ اما با آن هم گروه تحت رهبری ملا منصور بر روند جنگ و خشونت با دولت افغانستان شدت بخشید و جغرافیای جنگ را از ولایت های جنوبی به شمال کشور تغییر داد. این حملات در برخی موارد با موفقیت هایی نیز همراه بود.

با تشدید جنگ، حکومت افغانستان مذاکرات چهارجانبه را بی نتیجه و غیر مؤثر ارزیابی نمود و از ادامه آن صرف نظر کرد. حکومت معتقد بود، تا زمانی که پاکستان با همه گروه های جنگ طلب در منطقه برخورد مسالمتی و یکسانی نداشته باشد و مراکز آنها را در جغرافیای خودش از بین نبرد و مانع فعالیت سیاسی و نظامی آنها نشود، این گروه هاهرگز تن به مذاکره با حکومت افغانستان نخواهند داد. از اینرو افغانستان منتظر نوع برخورد پاکستان با گروه هایی بود که بر رویکرد جنگی تأکید می کردند و به صلح و مذاکرات سیاسی اهمیت نمی دادند. گروه طالبان و شبکه حقانی از گروه هایی بودند که مذاکرات صلح را به صراحت رد کردند و بر دوام جنگ و رویکردهای مسلحانه تأکید ورزیدند.

پس بر اساس توافقات به عمل آمده در مذاکرات چهارجانبه باید دولت پاکستان در برابر این گروه ها موضع سرکوبگرانه می گرفت و پناگاه های آنها را در خاک خود از بین می برد؛ اما دولت پاکستان تا هنوز دست به اقدامات خشونت آمیز علیه گروه طالبان و شبکه حقانی نکرده است. این مسأله بی اعتمادی موجود میان افغانستان با پاکستان را تشدید کرد و روند مذاکرات صلح را با پیچیدگی های بیشتری همراه ساخت.

به هر صورت رهبر طالبان با هوایمی بدون سرنشین آمریکا و با دستور مستقیم رییس جمهور آن کشور مورد حمله قرار گرفته و کشته شده است. این مسأله همانطوری که سوالات زیادی را خلق می کند، تحلیل های گوناگونی را نیز در پی آورده است. نکته مهم این است که به گفته پنتاگون، مقامات پاکستان قبلاً در جریان این حمله قرار گرفته و حکومت پاکستان در این حمله با آمریکا همکاری داشته است. پس کشته شدن رهبر طالبان به همکاری آمریکا و پاکستان صورت گرفته است. حال سؤال این است که آیا کشته شدن ملاعمر با شکست مذاکرات صلح ارتباط دارد؟ آیا پاکستان می خواهد بر گروه های مخالف روند صلح بیشتر فشار وارد سازد؟ آیا کشته شدن رهبر طالبان صرفاً یک مسأله سیاسی است که با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیوند می خورد؟ آیا آمریکا موضع خود را در قبال طالبان تغییر داده و بر آوردن امنیت در افغانستان جدی تر عمل می کند؟ و ...

پاسخ به این پرسش ها هرچه باشد؛ اما یک نکته روشن است که کشته شدن رهبر طالبان ضربه سهمگین و جبران ناپذیر بر تشکیلات طالبان به حساب می آید و ممکن است اختلافات داخلی طالبان را تشدید کند و سبب تقسیم این گروه به گروه های کوچکتر گردد. این مسأله فرصت مناسب و جدیدی را برای افغانستان به وجود می آورد، تا از اختلاف، یأس و سردرگمی طالبان بهره برده و با همکاری پاکستان آنها را در پیوستن به روند صلح ترغیب نماید.

وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون اعلان نموده است که موثر حامل ملا اختر منصور، رهبر گروه طالبان را هدف قرار داده است. دفتر رئیس جمهور غنی با انتشار خبرنامه ای هدف قرار گرفتن موثر حامل ملا اختر منصور، رهبر گروه طالبان را تأیید می کند. عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی و وزارت امور داخله کشور نیز هدف قرار گرفتن موثر حامل رهبر طالبان در خاک پاکستان را تأیید می کند. ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان اما، با انتشار خبرنامه ای کشته شدن ملا اختر منصور را در ایالت بلوچستان پاکستان تأیید می کند. گروه طالبان اما، کشته شدن ملا اختر منصور رهبر این گروه را رد می کند. اگر فرض را بر کشته شدن ملا اختر منصور بگیریم چه تحولی در روند گفتگوی صلح اتفاق خواهد افتاد؟ آیا گروه طالبان حاضر به گفتگو و مذاکره با حکومت افغانستان خواهد شد؟ با توجه به اینکه ملا اختر منصور در خاک پاکستان مورد هدف قرار گرفته است چه دگرگونی در روابط میان افغانستان و پاکستان به وجود خواهد آمد؟

ارگ ریاست جمهوری و شورای عالی صلح در واکنش به انتشار حمله بر موثر حامل ملا اختر منصور گفته است که کشته شدن او تأثیری مثبت بر روند گفتگوی صلح می گذارد. در عین حال، جان کرزی، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا حمله بر موثر حامل منصور را یک پیام روشن به تئوریست ها و شورشیان دانسته است. به باور من، ما نگاه خوشبینانه به روند گفتگوی صلح داریم. از سال ۱۳۸۹ که شورای عالی صلح تأسیس شد ما امیدوار بودیم که گفتگوی صلح نتیجه بخش خواهد بود. ما به دنبال رهبر گروه طالبان و ارتباط برقرار کردن با او بودیم. پیش فرض ما این بود که رهبر گروه طالبان تصمیم گیرنده اصلی است و ارتباط ما با او می تواند تغییری در وضعیت افغانستان به وجود آورد. به همین خاطر، زمانی که ما فهمیدیم که ملا عمر مرده است به یکباره از گفتگو دست

رحیم حمیدی



درصد منابع مالی خود را از مجراهای دیگر تأمین می کند. سازمان استخبارات منطقه با این گروه ارتباط دارد. بنابراین، این سازمان ها بخش زیادی از نیازمندی مالی این گروه را تأمین می کند. بنابراین، نفوذی بر این گروه دارد و در تصمیم گیری بر سر جنگ و صلح تأثیر گذار است. از این جهت، می توان گفت که تا حدودی زیادی خوشبینانه است که فکر کنیم که کشته شدن ملا اختر منصور تأثیری مثبت بر روند صلح می گذارد. زیرا، تصمیم جنگ و صلح تنها منوط به او نیست و نخواهد بود. کشته شدن او در قدم اول منجر به چند دستگی گروه طالبان می شود. به احتمال زیاد این بار تعدادی بیشتری از فرماندهان این گروه ادعای رهبری می کنند. این چند دستگی در نهایت ممکن است برخی از فرماندهان را به پروسه صلح بکشاند. این مسئله نیز بستگی به میزان روابط آن ها با سازمان استخبارات منطقه دارد. بنابراین، زود است که بگویم که کشته شدن ملا اختر منصور تأثیری بر روند گفتگوی صلح خواهد داشت.

ملا محمد اختر منصور در خاک پاکستان وارد شد. پاکستان از سال های سال متهم به حمایت از گروه های شورشی افغانستان بوده است. حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان به صورت صریح بیان می داشت که پاکستان از گروه های شورشی و مخالف مسلح دولت افغانستان حمایت می کند. اشرف غنی، رئیس جمهور اگر چه به صورت صریح در این مورد اظهار نظری ننموده است اما، بارها گفته است که جنگ در افغانستان ماهیت منطقه ای دارد. ریشه جنگ تنها در افغانستان نیست بلکه فراتر از افغانستان و در کشورهای همسایه ماست. وزارت امور داخله کشور با انتشار خبرنامه ای که در مورد کشته شدن ملا اختر منصور او را مزدور کشور همسایه خوانده است و پاکستان را متهم به پناه دادن به مخالفان مسلح حکومت افغانستان نموده است. با این حال، در خبرنامه ارگ ریاست جمهوری چیزی در این مورد وارد نشده است.

ملا محمد اختر منصور کشته شده بود بعید به

نظر می رسد که روابط کابل-اسلام آباد به این زودی تغییر نماید. به احتمال زیاد، کابل منتظر واکنش گسروه طالبان در مورد روند صلح می ماند. در عین حال، منتظر اقدامات حکومت پاکستان نیز می نشیند. در صورت که گسروه طالبان بار دیگر گفتگوی صلح را رد نمود و پاکستان اقدامات عملی روی دست نگرفت در آن صورت روابط کابل-اسلام آباد دگرگون خواهد شد.

اما دگرگونی اصلی در روابط اسلام-واشنگتن اتفاق خواهد افتاد. در سال ۲۰۱۱ بن لادن در خاک پاکستان و در نزدیکی مقر ارتش این کشور مورد هدف قرار گرفت و کشته شد. این مسئله روابط اسلام آباد و واشنگتن را بر تنش کرد. پاکستان متهم به حمایت از گروه های تروریستی شد. چندی پیش، کنگره ایالات متحده آمریکا کمک های نظامی آمریکا به پاکستان را قطع کرد. دلیل آن همکاری پاکستان با گروه های دهشت افکن بود. فشارهای آمریکا بر پاکستان در سال های اخیر افزایش یافته است. با کشته شدن ملا اختر منصور در خاک پاکستان به نظر می رسد که فشارها بر این کشور به صورت چشمگیری افزایش یابد. اینکه روابط در چه سطحی نگه داشته خواهد شد و آمریکا از چه ابزارهای برای فشار بر پاکستان استفاده خواهد کرد، مشخص نیست با این حال، دگرگونی در روابط دو کشور در راه است.

بنابراین، زود است که قضاوت کنیم که کشته شدن ملا اختر منصور تأثیری بر روند صلح خواهد گذاشت. زیرا، روند صلح منوط به تصمیم فردی نیست و نخواهد بود. احتمال چند دستگی در درون گروه طالبان می رود. در آن صورت، احتمال کشیده شدن برخی فرماندهان گروه طالبان به روند صلح نیز به این زودی تحولی را تجربه نخواهد کرد. افغانستان منتظر واکنش گروه طالبان به روند صلح و اقدامات پاکستان می ماند. اما، آمریکا بر پاکستان فشاری بیشتری وارد خواهد کرد تا در مواجهه با گروه های دهشت افکنی صادقانه عمل نماید.

# عوامل عدم مؤثریت پروژه های توانمندسازی زنان!

مهدی مدبر



محوری را در برنامه های توانمندسازی زنان، خود آنها بسازی بکنند. عاملیت زنان به این معنی است که آنها را تنها دریافت کنندگان خدمات اجتماعی ندانیم، بلکه خود زنان باید در فرایند تغییر و بخصوص در انتخاب های مهم زندگی و کنترل بر منابع مهمی که در زندگی آنها نقش دارند، سهم شایسته و نقش فعال داشته باشند. آنها باید خود عامل تغییر و توانمندسازی باشند. نه تنها دریافت کنندگان خنثی و غیر فعال.

توجه به نقش عاملیت زنان، نگاه به آنها را تغییر می دهد و گفتمان از پایین به بالا را در رابطه مسایل زنان به وجود می آورد و این گفتمان نسبت به گفتمان کنونی که از بالا به پایین طراحی شده است، اهمیت و ارجحیت دارد. در گفتمان از پایین به بالا نقش محوری به زنان و خواست های آنها داده خواهد شد و ریشه های مشکلات آنها بررسی خواهد شد، اما در گفتمان بالا به پایین، تنها دیدگاه عده ای خاصی در نظر گرفته شده است و بر یک اکثریت به اجرا در می آید. چیزی که ثابت شده از است توانمندسازی زنان، توجه برخوردار نبوده است. توانمندسازی یک فرایند است که طی آن فرد از نیازها، خواست ها قابلیت های خود و هنوز کار و اشتغال زنان در بسیاری از بخش های کشور به عنوان یک تابو به شمار می رود و نه تنها مردان مانع اشتغال زنان نیز می شوند، بلکه بسیاری از زنها نیز به خود شان اجازه نمی دهند که بیرون از خانه و در یک فضای متفاوت کار کنند. این امر نشان می دهد که تا زمانی که فرهنگ و باورهای جامعه نسبت به زنان تغییر نکند، تبعیض جنیستی نیز از بین نخواهد رفت و در نتیجه فرصت برای ظهور توانمندی های زنان نیز ایجاد نخواهد شد.

حکومت افغانستان در گام نخست باید تلاش کند که اذهان عامه را در نقاط دور دست افغانستان که از زیر سیطره شبکه های اجتماعی، تلویزیونها و سایر رسانه ها خارج است، تغییر دهد و سپس بصورت متوازن برنامه های توانمندسازی زنان را در سراسر کشور اجرا نماید. تدویر چند سمپوزیم در خارج و داخل کشور، به انجامد و هیچ تأثیری بر زندگی یک زن روستایی ندارد.

عدم توجه به عاملیت زنان تگاهی که تا کنون نسبت به زنان وجود داشته است این بوده است که زنان را فقط به عنوان گیرندگان خدمات و برنامه ها در نظر گرفته اند، اما در واقع باید نقش

جامعه جهانی و نهادهای بین المللی حامی حقوق زنان، هنوز بهبود قابل ملاحظه در زندگی زنان افغانستان بوجود نیامده است و تنها عده ای کمی از زنان توانسته اند از مزایای برنامه های که برای بهبود زندگی شان ترتیب شده است، مستفید شوند. چه عواملی باعث شده است که پروژه های بزرگ و هزینه های هنگفت برای ارتقای ظرفیت و بهبود زندگی زنان افغانستان مؤثریت چندانی نداشته باشند و هنوز زنان افغانستان شاهد بهبود زندگی شان نباشند؟

مدیریت نادرست یکی از دلایل اصلی عدم مؤثریت برنامه های که زیر نام توانمندسازی زنان افغانستان دایر شده است مدیریت ناکارآمد حکومت افغانستان و فساد در مصرف این پروژه ها است. پول های زیادی که برای ارتقای ظرفیت زنان افغانستان از سوی جامعه جهانی کمک شد، اکثراً حیف و میل شد و به برنامه های زیربنایی برای توانمندسازی زنان افغانستان اختصاص داده نشده است.

فساد موجود در حکومت باعث شده است که کمک های جهانی برای توانمندسازی زنان افغانستان در راستای یالیزی سازی برای بهبود زندگی، ایجاد زمینه آموزش، ایجاد زمینه اشتغال و رشد اقتصادی زنان افغانستان به مصرف نرسد و تأثیر گسترده و فراگیر بر زندگی زنان نداشته باشد.

عدم مدیریت درست و نظارت دقیق از پروژه های بزرگ توانمندسازی زنان افغانستان، یکی از چالش های اصلی در برابر نهادهای کمک کننده بوده است و بسیاری اوقات، مدیریت ضعیف حکومت افغانستان، اعتماد آنها را سلب کرده است و باعث شده است که از کمک به زنان

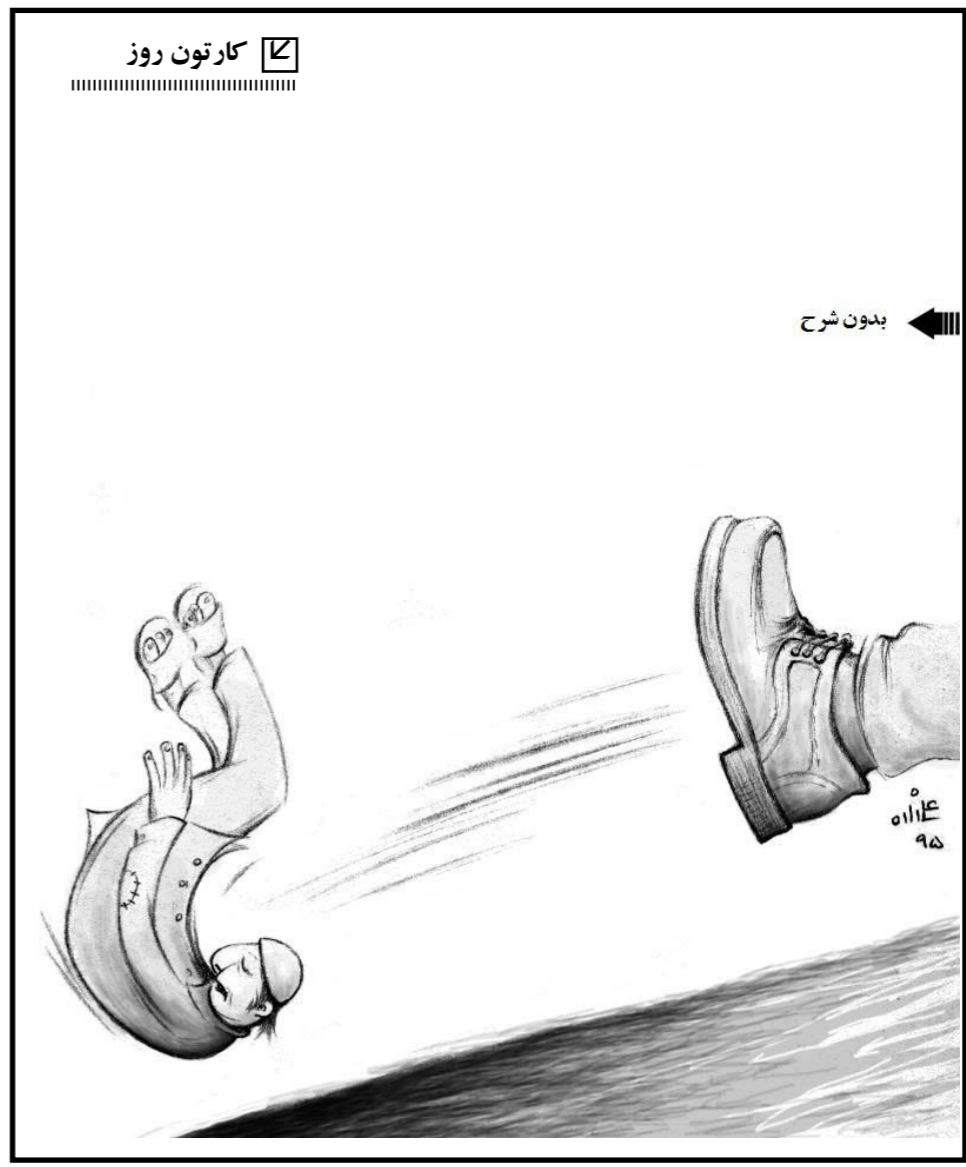
تغییر در زندگی زنان افغانستان یکی از اهداف کلیدی ورود جامعه جهانی در افغانستان است. آنها به این منظور پروژه های کلانی را برای زنان اختصاص دادند و پول های زیادی را در این مورد به مصرف رساندند. یکی از بزرگترین پروژه ها در این مورد «پروژه پرموت» است که از سوی ایالات متحده آمریکا تمویل می شود. پروژه ی پرموت با بودجه ۲۱۶ میلیون دالر به منظور توانمند سازی زنان افغانستان راه اندازی شده است و قرار است از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۰، ۷۲ هزار زن را در بخش های رهبری، حکومت داری، دادخواهی و رشد اقتصادی آموزش دهد.

حکومت افغانستان نیز در روزهای گذشته سومین سمپوزیم بین المللی زنان افغانستان را با عنوان «توانمند سازی زنان، دست آوردها و چالش ها» در کابل برگزار کرد. دو سمپوزیم دیگر توانمندسازی زنان در شهر واشنگتن آمریکا و اسلو پایتخت نزاروی در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ برگزار شده بود. هدف از تدویر این برنامه دو روزه بررسی دست آوردهای زنان افغانستان و همچنان مشکلات و چالش های فرا روی آنها بود.

رئیس جمهور در این نشست گفته است که برای حکومت وحدت ملی متعهد است که برای بهبود زندگی زنان افغانستان و سهم گیری آنها در عرصه های مختلف تلاش کند، او همچنان گفته است که زنان افغانستان حاضر نیستند که به عقب بروند و پهلو به پهلو با مردان افغانستان به پیش می روند و تقاضا دارند که سهم واضح و همه جانبه داشته باشند.

تاکید بر توانمندسازی زنان، نه تنها به دلایل انسان دوستانه و عدالت و برابری جنسیتی مهم است، بلکه به اهداف توسعه ای و نقشی که زنان در بهبود و رشد اقتصادی جوامع مختلف انسانی دارد، باید صورت گیرد و آنها نیز باید بعنوان بخشی از عوامل توسعه جامعه قلمداد شوند. اما در افغانستان متأسفانه زنان همواره با تبعیض جنسیتی مواجه بوده اند و عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی باعث شده است که آنها از فرصت های برابر برخوردار نشوند و زمینه ظرفیت سازی برای شان فراهم نشود.

در شانزده سال اخیر، مشارکت زنان افغانستان و ایجاد فرصت های برابر آموزشی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یکی از دغدغه های اصلی فعالین حقوق زنان بوده است، اما با وجود کمک های فراوان



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دردی و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان  
The Daily Afghanistan

Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine